درس اندیشه اسلامی

مجموعه دروس استخدامی

کاری از سایت مدآموز و تک نرس و استخدام باما

لطفا این مجموعه را فقط از سایت مدآموز یا استخدام باما خریداری نمایید.

تا بتوانید از ویدیوها و مشاوره ها و تست ها استفاده نمایید

- مهمترین موضوع برای انسان **خودشناسی** است که بوسیله این موضوع به بزرگترین سعادت نائل می شود
- جمله (خود را بشناس) بر سر در معبد دلفی یونان باستان نصب می باشد
- دو سخن درباره خود شناسی :

الف - حضرت علی ع : کسی که به **خودشناسی** دست یابد به بزرگترین سعادت و کامیابی رسیده است

ب - ایمانوئل کانت : انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی شناخت خود بپردازد .

دلایل ضرورت خودشناسی

الف : مقدمه کمال انسانی :

نقطه آغاز کمال انسانی همان شناخت سرمایه های وجودی خود می باشد

ب : پیش در آمد جهان شناسی:

عبارت است از تعامل انسان با جهان خارج از خود

دو سخن از حضرت علی ع در این باره :

۱. کسی که خود را نمی شناسد، چگونه غیر خود را تواند شناخت؟ ۲. کسی که خود را بشناسد، دیگری را بهتر می شناسد و کسی که به خود جاهل است، به دیگران جاهل تر است

پ : مقدمه خداشناسی :

حضرت علی ع : هر کس **خود** را بشناسد، پروردگارش را می شناسد .

از آنجا که فطرت آدمی با معرفت خدا عجین شده است، دعوت به خود شناسی دعوت به خدا شناسی است .

حضرت علی ع :خدایا تو قلب ها را با محبت خود و عقل ها را با معرفت خود سرشته ای

خود شناسی مقدمه محبت و معرفت به خداست :

۱. پی بردن به واجب الوجود : ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز ستوده است . يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

۲. پی بردن به ناظم حکیم : دز زمین آیاتی است برای جویندگان یقین و در وجود خود شما، آیا نمی بینید؟ وَ فِی الْأَرْضِ آیاتٌ لِلْمُوقِنِینَ وَ فِی أَنْفُسِکُمْ أَ فَلاتُبْصِرُونَ

ت : حلال مشکلات انسان :

بسیاری از مشکلات روحی، روانی، فکری و اخلاقی انسان ناشی از خود ناشناسی است . بسیاری از مکاتب ساخته و پرداخته دست بشر همچون لیبرالیسم، ماتریالیسم و ...ریشه در عدم شناخت انسان دارند

حقیقت انسان :

۱. مادی : کسانی که حقیقت هستی را با ماده برابر می دانند و انسان را پدیده کاملا مادی تلقی میکنند
۲. الهی : علاوه بر بدن مادی، حقیقتی به نام روح برای انسان قائل هستند

- محور همه تعالیم ادیان الهی، **روح آدمی** است

- ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِیهِ مِنْ رُوحِهِ : **سپس اعضاء او را (در رحم مادر) کامل کرد و از روح خویش در وی دمید**

لغت تسویه در آیه بالا به معنای خلقت اعضای بدن به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط می باشد

از منظر قرآن کریم حقیقت انسان همان روح اوست که با بدن مادی همراه شده است:

- اللَّهُ یَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حِینَ مَوْتِهَا : خدا جانها را به هنگام مردنشان می‌گیرد

با توجه به آیه فوق مراد از توفی اخذ و گرفتن روح آدمی است .

- دلیل فیلسوفان بر غیر مادی بودن روح انسان عدم تقسیم (من)درک کننده است، زیرا یکی از خاصیت اجسام مادی قسمت پذیر بودن آنهاست .
-

- انسان دارای دو بعد است : ادراکی- گرایشی
- بعد ادراکی :

۱.بعد نظری : متعلق شناخت اشیاء آنگونه که هستند یا خواهند بود

علم حصولی : علم انسان از طریق صورت و مفاهیم ذهنی صورت می گیرد، مثل علم انسان به اجسام یا درخت.... علم حضوری : انسان مستقیما وبدن واسطه به وجود واقعی و عینی آن آگاهی دارد .مثل آگاهی از اراده خود یا ترسیدن خود و..

۲. بعد عملی : متعلق شناخت عمل انسان از نظر خوب یا بد بودن و یا باید و نبایدها می باشد.

- اگر متلعق علم حضوری خدا و امور مربوط به او باشد به آن شهود عرفانی می گویند
- علوم تربیتی و مکاتب تعلیم و تربیت، در حوزه و مجموعه حکمت عملی می باشند

بعد گرایشی :

- گرایش حیوانی (غریزه): این گرایش میان انسان و حیوان مشترک است .بطور مثال گرایش به حفظ ذات-صیانت از خود- میل به جنس مخالف.
- گرایش انسانی : این تمایلات مختص به انسان است و یا دست کم در حیوانات کم تر است .بطور مثال میل و محبت انسان به خدا (حضرت علی ع : خدایا تو قلب ها را بر محبت خود آفریده ای)

- در کهن ترین فرهنگ های نژاد بشری، دین مشخصه اصلی و فراگیر بشری است

انسان و بحران های فرارو

- معرفتی : بحرانی که اشخاص در ابزار شناخت دچار مشکل شده اند و حق آن است که هر سه ابزار(عقل - حس - شهود عرفانی)همراه هم شناخت ایجاد می کنند
- اخلاقی : ریشه این بحران غفلت از ساحت غیر مادی انسان و عدم توجه به خدا است.
- روانی : علت این بحران عدم شناخت هویت و حقیقت انسانی است، و همچنین نقطه اتکا و آرامش یعنی خدا را گم کرده اند .

- بیش از نود و پنج درصد انسان ها به وجود خدا ایمان دارند .
- در مورد دین و بحران اخلاقی پیامبر (ص) می فرماید : من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج برسانم.
-
- دو مکتب بزرگ مادی گرایی :

در عرصه علم : پوزیتیویسم و آمپریسم

در عرصه اقتصاد : مارکسیسم و کمونیسم

- در مورد دین و بحران روانی قرآن بیان دارد : ألا به ذکر الله تطمئن القلوب : (هر کسی از یاد من دل بر گرداند، در حقیقت زندگی سختی خواهد داشت)
- انسان با دو بال عقل و وحی می تواند به سعادت دنیوی و اخروی نائل آید .
- قوای علم حصولی : قوای حواس پنج گانه + قوه عقل

ایمان

- معنای لغوی و اصطلاحی ایمان : ایمان امری است معنوی و حالتی روحی، که جایگاه آن قلب آدمی است.
- ایمان مصدر باب افعال و از ریشه آمن (امنیت یافته)به معنای (جای گیر شدن اعتقاد در قلب)گرفته شده است .
- امام رضا ع در تعریف ایمان می فرماید : ایمان تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به ارکان و اعضاء است .

انواع روابط ایمان : ۱ .ایمان و معرفت ۲ .ایمان و عقل ۳ .ایمان و عمل ۴ .ایمان و اختیار

- ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است زیرا به آنچه نمی شناسیم ایمان معنا ندارد، و همچنین بدون اجر می باشد.

- دو مثال قرآنی که علم است اما ایمان نیست :

الف: قوم بنی اسرائیل با وجود یقین و دیدن معجزات ب :شیطان با وجود علم به عظمت خداوند

در اسلام ابتدا معرفت و سپس ایمان است، اما در مسیحیت ابتدا ایمان است سپس معرفت .

- عقل و دین دو موهبت الهی است که میتواند انسان با آن دو به سعادت جاودانه برسد
- قرآن در این باره می فرماید :

الف : ما قران را عربی نازل کردیم، شاید تعقل کنید : إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

ب: بدترین جنبندگان نزد خداوند کسانی هستند که کر و لال اند و اصلا تعقل نمی کنند .

»إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُ الْبُكْمُ الَّذِينَ لا يَعْقِلُونَ؛

- امام کاظم ع می فرماید : انسان دو حجت دارد یکی حجت ظاهری که پیامبر و امامانند ، و دیگری حجت باطنی که عقل است .
- عمل، نمود ظاهری ایمان است و ایمان بدون عمل نجات بخش و راستین نیست
- کم ترین مرتبه ایمان چیست : آدمی به وحدانیت خدا، رسالت پیامبر (ص)گواهی دهد اطاعت حق را بپذیرد و امام زمانش را بشناسد
- خداوند عمل بدون ایمان را به دو چیز تشبیه کرده است : الف: به خاکستری که در روز طوفانی هیچ اثری از آن باقی نمی ماند ب: عمل کافران (عمل بدون ایمان) را همچون سرابی تشبیه کرده است
- از آنجا که ایمان، امری اختیاری است دارای ارزش است و اگر با اجبار ایمان بیاورد ، ایمان اون هیچ ارزشی ندارد : وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ و بگو حق از پروردگارتان [رسیده] است پس هر که بخواهد بگرود و هر که بخواهد انکار کند

- متعلقات ایمان : ۱ .اصول دین ۲ .ایمان به ملایکه ۳ .ایمان به قرآن و کتب قبل ۴ . ایمان به عالم غیب.
- ایمان به عالم غیب جدا کننده نگرش دینی از الحادی و مادی گرایانه است.
- عالم غیب از طریق عقل و شهود عرفانی قابل شناخت است

برهان فطرت

- حضرت علی ع می فرماید : خدایا، تو قلب ها را با ارادت و محبت خود و عقل ها را با معرفت خود سرشته ای .
- راهای شناخت خدا بر دو نوع است

الف : سیر در آفاق ب : سیر در انفس

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ

به زودی نشانه های خود را در افقها[ی گوناگون] و در دلهایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد

- فطرت از ماده فطر به معنای آغاز و شروع است .
- اموری که آفرینش موجود اقتضاء آن را دارد امور فطری نام دارد.

ویژگی امور فطری :

۱. همگانی هستند و در همه موجودات همان نوع وجود دارند ۲. همواره ثابت اند ۳. نیاز به تعلیم و تعلم ندارند .

- شناخت فطری نسبت به خدا را خداشناسی فطری ، و گرایش به خدا را خدا پرستی فطری می گویند .

دلایل فطری بودن خدا شناسی

الف- دلیل نقلی : آیات و روایات

- (فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ پس تذکر ده تو فقط تذکر دهنده ای
- (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللّه...) پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است

ب -دلیل عقلی : در فلسفه هر معلول مجردی نسبت به علت خود علم دارد، پس نفس مجرد انسان هم نسبت به علت خود (خدا)علم دارد (علم حضوری)

- راه های تذکر و یادآوری فطرت :

۱. در صورت قطع امید شدن انسان از همه جا : **وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ :** و چون در دریا به شما خوف و خطری رسد در آن حال به جز خدا همه آنهایی که به خدایی می‌خوانید از یاد شما بروند

۲. توجه به مخلوقات و نظم حاکم :**أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ** كَيْفَ **خُلِقَتْ** *وَإِلَى **السَّمَاءِ** كَيْفَ رُفِعَتْ آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟

۳. از دیدگاه قرآن پرستش خدا و سجده کردن برای خدا، نوعی خدا جویی است .

برهان علّی

- در صورتی که با وجود علت تحقیق معلول ضرورت داشته باشد به آن علت تامه و در غیر این صورت به آن علت ناقصه می گویند
- همچون حرارت که با وجود آتش تحققش حتمی و ضروری است .
- فرق بین علت ناقصه و تامه در این است که علت تامه هر جا موجود شود، معلول باید موجود شود و هرجا معدوم شود معلول هم باید معدوم باشد. وجود و عدم معلول با وجود و عدم علت ضرورت دارد و این دو با هم ملازم می باشند.

- انواع علت :

۱. علل فاعلی : آن است که معلول بوسیله آن موجود می شود
۲.علل غایی : انگیزه فاعل برای تحقق معلول
۳. علل مادی : زمینه پیدایش معلول همانند عناصر تشکیل دهنده گیاه
۴. علل صوری : صورت و فعلیتی که ماده در آن بوجود می آید

فاعل طبیعی و الهی

۱.فاعل طبیعی : در فیزیک و طبیعیات بحث می شود، و منشأ دگرگونی و حرکت اجسام و حالات است

۲. فاعل الهی : در فلسفه و الهیات بحث می شود، و منظور موجودی است که معلول را پدید می آورد .

- از جمله نشانه های فقر وجودی : ۱ .محدودیت زمانی و مکانی دارند ۲ .وابستگی به غیر دارند ۳. محدودیت آثار ۴ .تغییر پذیر ۵ .فنا پذیر

- دو سخن حضرت علی ع بیان بر معلول بودن جهان هستی است :

(هر موجودی غیر از خداوند معلول است:«کلّ قائم فی سواه معلول«)

(هر چیزی به خدا قیام دارد: «کلّ شیء قائم به.«)

- موجودات این جهان از آن جهت که سابقه و لاحقه نیستی دارند پس دارای فقر ذاتی هستند و معلول یک علتی .
- همانطور که مجموع بی نهایت صفر، عدد صحیح نمی شود پس مجموع بی نهایت معلول وابسته هم مستقل و غنی نخواهد شد(امتناع تسلسل)
- تعریف دور : به این معنا که علت وجودی موجود، خود او باشد به عبارت دیگر وجود موجود متوقف بر خود او باشد .لازمه این امر اجتماع نقیضین می شود .(امتناع دور)
- خدا هم مساله دور را که چیزی علت پیدایش خود باشد را رد کرده است **أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخالِقُونَ** .«35»آیا از هیچ آفریده شده‌اند یا خود آفریدگار خویشند؟ (استفهام در این آیه، استفهام انگاری است)

برهان نظم

۱.تعریف نظم : نظم گرد آمدن اجزای متفاوت با کیفیت و کمیت ویژه ای در یک مجموعه است به گونه ای که دارای هدف معینی می باشد

۲. نظم مفهومی است که در برابر هرج و مرج به کار می رود .

۳. برهان نظم تاریخی به بلندای عمر انسان دارد

سه عنصر سازنده و اصلی مفهوم نظم :

الف: طراحی و برنامه ریزی دقیق ب : سازمان دهی حساب شده پ: هدفمندی

تقریر انواع برهان نظم :

الف: برهان هدفمندی : در جهان پدیده هایی هستند که به سوی غایتی در حرکت اند و این پدیده ها خود فاقد علم و آگاهی هستند، پس از این حرکت فهمیده می شود که هدایت گر حکیم و عالمی در ماوراء این موجودات وجود دارد

حضرت علی ع می فرماید : زمام هر جنبده ای به دست تو است و بازگشت هر آفریده ای به سوی تو است

آیاتی که قرآن در آن ها سخن از گیاهان و ثمره آن سخن می گوید ناظر بر برهان هدفمندی است

ب: برهان نظم از موارد جزئی :

از مشاهده جهان هستی و موجودات با سازمان دهی حساب شده و برنامه ریزی دقیق فهمیده می شود که این جهان خود به خود وجود نیافته و ناظم حکیم و آگاهی دارد. ویلیام پالی در تقریر برهان نظم از موارد جزیی چشم را با ساعت مقایسه کرده است .

قرآن کریم در تقریر این برهان می فرماید : **إِنَّ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لَآياتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ**

سخن حضرت علی ع در مورد خلقت و زندگی موجوداتی همچون مورچه، طاووس و ملخ در تقریر برهان نظم از موارد جزئی می باشد.

پ : برهان هماهنگی در کل عالم :

مجموعه ای است که اجزای آن به گونه ای با هم ارتباط دارند که همگی هدف یگانه و مشخصی را تعقیب می کنند .حضرت علی ع در این باره می فرماید : پس خدا آفرینش را آغاز کرد و اجزای مخالف را با هم سازوار ساخت .

قرآن کریم در تقریر این برهان می فرماید : لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَه إِلاَّ اللَّهُ لَفَسَدَتَا

اگر در آسمان ها و زمین خدایانی جز **اللّه** بود، هر آینه آن دو فاسد می شدند

(بخش سوم)

(امکان شناخت صفات خدا)

از مسائل اساسی در حوزه خدا شناسی ، شناخت صفات الهی است

سه دیدگاه درباره صفات الهی:

۱. اهل تعطیل : معتقد هستند عقول انسانی بخاطر مفاهیمی که از موجودات دارند نمی توانند این مفاهیم را به دیدگاه صفات الهی تسری دهند و آن ها را بشناسند.
۲. اهل تشبیه : صفات خدا را همچون صفات موجودات میدانند و برای خدا اعضاء و جوارح قائل اند .
۳. اثبات بلا تشبیه : انسان میتواند صفات خدا را بشناسد اما در حد عقل خود و نمیتواند به ذات او پی ببرد

علامه طباطبایی دست یافتن به صفات خدا را به آب خوردن با دو دست از دریا تشبیه کرده است به معنای این که هر کس در حد عقل و توانایی خود به صفات الهی پی میبرد

(راه های شناخت صفات خدا)

۱. راه عقلی : صفات ثبوتی وسلبی را اثبات می کنیم
۲. سیر در آفاق و انفس : از سنخیت علت و معلول، به علم و حکمت و قدرت خالق پی میبریم.
۳. قرآن و روایات
۴. کشف و شهود

تفاوت سیر در آفاق و انفس با راه عقلی آن است که در اولی مقدمات براساس مشاهده و دلیل عقلی است اما در دومی تمامی مقدمات عقلی است .

مبنای سخن برخی متکلمین در مورد توقیفی بودن اسماء الهی ؛ روایات است از جمله روایت از امام رضا ع : خدایا تو را فقط به آنچه خود وصف کرده ای می خوانم

انواع صفات خدا

۱. ثبوتی

الف: ذاتی : ۶ صفت : علم -قدرت - حیات – اراده- سمیع -بصیر

ب : فعلی : صفاتی که از ارتباط ذات الهی با مخلوقات انتزاع میشود مثل خالقیت

۲. سلبی :

صفاتی که برعکس صفات ثبوتی نقص و کاستی را از خدا نفی میکنند مثل جهل.

- صفات جمالیه خدا همان صفات ثبوتی است. سمیع و بصیر بودن چیزی جز علم خداوند نیست .
- برخی متکلمان صفات ثبوتی را هشت عدد دانسته اند با توجه به آیه هشت فرشته و تعداد صفات سلبی را هفت عدد دانسته اند .

مراتب علم خدا :

الف:علم به ذات خود : انسان به ذات خود علم دارد پس به طریق اولی خدا به ذات خود علم دارد

ب: علم خدا به موجودات پیش از آفرینش : دو دلیل در اینباره وجود دارد

الف: علم به علت، علم به معلول را در پی دارد و از آنجایی که خدا خود علت است و به ذات خود علم دارد پس به معلول خود هم علم دارد.

ب: نظم و تدبیر موجودات عالم گواهی میدهد که خدا از پیش، به تمام اسرار و قوانین و پیچیدگی های آن علم داشته است: **لَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ**: آیا کسی که آفریده است خودنمیداند؟ با اینکه اوخود باریک بین و آگاه است)

پ : علم خدا به موجودات بعد از آفرینش آنها : همه موجودات نزد خدا حاضر اند و حقیقت علم چیزی جز حضور معلوم نزد عالم نیست .

دلایل قدرت الهی :

الف: اعطاء کننده کمال فاقد کمال نیست : وقتی موجودات دارای قدرت هستند پس باید معطی کننده این قدرت خود دارای قدرت باشد(و قوه کل ضعیف: خدا نیروی هر ناتوانی است)

ب: اتقان و نظم شگفت انگیز مخلوقات : این دلیل هم برای قدرت الهی است هم برای علم الهی : (**فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ** وَ ... آفریدگان را به **قدرت** خویش بیافرید)(المستشهد بآیاته علی قدرته **آیات : و مخلوقات خداوند شاهد و نشانه قدرت اویند.**)

- قدرت الهی عام، مطلق و نامحدود است : (إن الله علی کل شیء قدیر)
- حقیقت حیات الهی روشن نیست، اما مفهوم حیات الهی روشن است

حیات مخلوقات :

۱. انسان : ادراک امور کلی
۲. حیوان : ادراک امور جزئی
۳. گیاهان : احتمالا ادراک امور جزئی

ویژگی مشترک حیات موجودات طبیعی، ادراک و فعالیت است .

انواع اراده :

۱. تکوینی : رابطه خاص خدا با مخلوقات که امکان تخلف مراد از اراده نیست
۲. تشریعی : رابطه خاص خدا با برخی افعال اختیاری انسان که امکان تخلف مراد از اراده است.

اراده تشریعی در مقابل اراده تکوینی قرار دارد. در تفاوت آن دو گفته شده، اراده تشریعی به فعل دیگری تعلق می‌گیرد؛ اما متعلق اراده تکوینی، فعل شخص اراده کننده است. در اراده تشریعی، امکان تخلف اراده از آنچه اراده شده است، وجود دارد؛ ولی در اراده تکوینی خدا، هر آنچه اراده شود، حتماً به وقوع می‌پیوندد. اراده تشریعی برخلاف اراده تکوینی فقط به افعال اختیاری تعلق می‌گیرد.

امام صادق ع می فرماید : علم و مشیت خدا یکی نیست زیرا تو میتوانی بگویی فلان کار را میکنم اگر خدا بخواهد اما نمی گویی فلان کار انجام میدهم اگر خدا بداند.

دو معنای حکمت الهی :

الف: افعال خدا در نهایت اتقان و استواری است و هیچ نقصی در آن راه ندارد که در این صورت حکمت جزء صفات ثبوتی فعلی می باشد

دلایل این معنا : ۱ .مطالعه نظم و اسرار خلقت: «امام علی ع در بیان این معنای حکمت زندگی اسرار آمیز شب پره را بیان میکند ۲. تناسب اثر با موثر ۳. نبودن علتی بر نا استواری «الذی أحسن کل شی خلقه»

ب : خداوند عمل لغو و بیهوده انجام نمیدهد و تمام افعال او هدفمند است، در این صورت حکمت صفت سلبی میباشد.

- رُسُلاً مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِئَلاَّ يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ

پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند،

(و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است.

- أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید

- **ولا یظلم** ربک احدا چیست؟ و پروردگارت به کسی ظلم نمی کند

حکمت به معنای قبیح نبودن اساس بسیاری از بحث های کلامی است

آنچه در قرآن در مورد ارسال پیامبران و اینکه مگر پایان زندگی شمرده نمیشود آمده است، اشاره به حکمت خدا به معنای قبیح نبودن افعال او دارد

اقسام عدل الهی

۱. تکوینی : جهان بر عدالت استوار است و هر موجودی به اندازه وسع و قابلیتش نسبت داده شده .آنچه در روایات به مضمون جهان به عدالت استوار شده آمده، اشاره به عدالت تکوینی دارد .

۲. تشریعی : احکام صادره، اولا برای سعادت انسان است دوما به اندازه توانش تکلیف شده است

﴿وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا و هیچ کس را جز به اندازۀ گنجایش و توانش تکلیف نمی کنیم

۳. جزایی : داوری خداوند در قیامت به عدالت است :

وَنَضَعُ ٱلْمَوَٰزِينَ ٱلْقِسْطَ لِيَوْمِ ٱلْقِيَٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا

ترازوهای عدالت را در روز قیامت می نهیم و به هیچ کس هیچ ستمی نمی شود

أَمْ نَجْعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَٱلْمُفْسِدِينَ فِي ٱلْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ ٱلْمُتَّقِينَ كَٱلْفُجَّارِ

آیا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند مانند مفسدان در زمین قرار می دهیم یا پرهیزکاران را چون بدکاران ؟!

- خدا حس است یعنی دارای دو صفت علم و قدرت میباشد.
- براساس قران کریم خشیت الهی ناشی از علم و آگاهی خداوند است

(بخش چهارم) (مسئله شرّ)

- شر سه صفت از صفات خدا را به چالش میکشد : ۱ .علم ۲ .قدرت ۳. خیرخواهی

اقسام شر :

۱. طبیعی : بدون مداخله عامل انسانی پدید می آید مثل زلزله، طوفان و ...
۲. اخلاقی : نتیجه عامل انسانی است مثل دزدی، قتل و ...

راه حل ها نسبت به مسئله شرور

الف شر، لازمه جهان مادی است :

در جواب اشکال که آیا نمیشد خدا بخاطر شرور زیاد از خلقت عالم ماده صرف نظر میکرد؟ می توان گفت : حکمت و لطف خدا اقتضاء میکند عالم ماده بخاطر منافع کثیر و شر قلیل آفریده شود زیرا ترک خیر کثیر به دلیل شر قلیل، خود شر کثیر محسوب میشود ملاک سنجیدن خیرات با شرور، کیفیت است نه کمیت :لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الْأَفْلاکَ : اگر تو نبودی، جهان را نمی آفریدم

ب : شر ناشی از آزادی انسان است:

- وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ ٱلْقُرَىٰٓ ءَامَنُواْ وَٱتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَٰتٍ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ

و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، یقیناً [درهایِ] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم،

- ظَهَرَ ٱلْفَسَادُ فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي ٱلنَّاسِ

در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است

- إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡ

یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را [به سوی بلا، نکبت، شکست و شقاوت] تغییر نمی دهد تا آنکه آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتار شایسته و پسندیده] در وجودشان قرار دارد به زشتی ها و گناه تغییر دهند

پ : شر ناشی از جزئی نگری انسان : مراد قضاوت سطحی و شتاب زده انسان در مسائل میباشد

وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡۗ

و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است، وبسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است

ت : شر ناشی از جهل انسان:

حضرت علی ع می فرماید : .. پس اگر چیزی از امور بر تو مشکل شد آن را بر نادانی خود حمل کند، زیرا تو در نخستین بار آفرینشت نادان بودی و سپس دانا شدی، و چه بسیار است چیزها که به آنها نادانی و....

فواید شرور :

۱. شرور، لازمه ذاتی عالم ماده

۲. شرور، علت شکوفا شدن استعدادها : (فإن مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا)

حضرت علی ع : بدانید که شاخه درختی که در بیابان می روید سخت تر و پوست سبزهای خوش نما نازک تر و آتش صحرایی افروخته تر و خاموشی آنها دیرتر است.

۳. شر، عامل بیداری از غفلت : (وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)

و بی تردید آنان را غیر از عذاب بزرگ تر [در قیامت] از عذاب نزدیک تر [در دنیا] می چشانیم

۴. شرور، هدیه ای به بندگان خاص :

دو سخن از امام صادق(ع): چون خداوند بنده ای را دوست بدارد او را در دریای سختی ها غوطه ور می سازد

پیامبران بیشتر از دیگر مردم دچار میشوند و سپس کسانی که بدیشان شبیه ترند...

۵. شرور، آزمون الهی :

أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتْرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ : آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند

(بخش پنجم) (توحید و شرک)

- از منظر قرآن **توحید و شرک** نقش اول را در زندگی انسان دارند
- مهم ترین هدف انبیای الهی دعوت به توحید و دوری از شرک است

مراتب توحید :

۱. توحید در ذات :

شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ

خداوند، [با ایجاد نظام هماهنگ جهان هستی] گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش، [نیز، بر این مطلب] گواهی می‌دهند؛ درحالی‌که [خداوند] قیام به عدالت دارد

قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ

حضرت علی (ع) : هو واحد لیس له فی الأشیاء شبه

۲. توحید صفاتی

صفات خدا اختلاف مفهومی با هم دارند اما در مقام عینیت (مصداق)وحدت دارند یعنی ذات خدا تماما علم، تماما قدرت و ....است .صفات خدا ازلی و ابدی است و عین ذات او.

۳. توحید در خالقیت :

قُلِ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّٰرُ

ٱللَّهُ ٱلَّذِي يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابٗا فَيَبۡسُطُهُۥ فِي ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ يَشَآءُ

خداست که بادها را می فرستد تا ابری را برمی انگیزد، پس آن را در آسمان آن گونه که بخواهد می گستراند

۴. توحید در ربوبیت :

الف تکوینی: کارگردانی جهان از آن خداست یعنی اداره هستی همچون احداث آن فعل خدا میباشد

وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةٗ لَّعَلَّهُمۡ يُنصَرُونَ

و به جای خدا معبودانی انتخاب کرده اند به امید اینکه [به وسیلهٔ آنها] یاری شوند،

لَوۡ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَاۚ

اگر در آسمان و زمین معبودانی جز خدا بود بی تردید آن دو تباه می شد

ب تشریعی (توحید در تشریع) :

به این معنا است که قانون گذاری و تشریع فقط ویژه خداست .

وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ

و آنان که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم اینانند که ستمکارند

- قران قانون گذاری را از آن خدا میداند و این با تبین احکام که وظیفه پیامبر و امامان و در غیاب آنان مجتهدین است، منافات ندارد .

ویژگی قانون گذار: الف : انسان شناس کامل باشد ب : عاری از هر گونه حس سودجویی باشد

۵. توحید در اطاعت :

فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ وَٱسۡمَعُواْ وَأَطِيعُواْ وَأَنفِقُواْ بنابراین به اندازۀ استطاعتی که دارید از خدا پروا کنید و [دعوت حق را] بشنوید و اطاعت نمایید

مَّن يُطِعِ ٱلرَّسُولَ فَقَدۡ أَطَاعَ ٱللَّهَ هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده

۶. توحید در حاکمیت :

به این معنا است که حق حکومت اصالتا مربوط به خدا است و حکومت دیگران باید به انتصاب و اجازه عام یا خاص باشد (إن الحكم إلا لله أمر ألا تعبدوا إلا إياه :حکم فقط ویژۀ خداست، او فرمان داده که جز او را نپرستید

۷. توحید در عبادت :

براساس آیات قرآن کریم، یکتا پرستی اصل مشترک میان تمام ادیان الهی بوده است .

(لقد بعثنا فی کل أمۀ رسولا أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت)

(قل یا أهل الکتاب تعالوا إلی کلمۀ سواء بیننا و بینکم ألا نعبد إلا الله...)

- تکریم و محبت به اولیای الهی نه تنها شرک نیست بلکه عین توحید است ، قرآن کریم در باب وجوب محبت به پیامبر و اهل بیت علیهما می فرماید :

قُل لَّآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ أَجۡرًا إِلَّا ٱلۡمَوَدَّةَ فِي ٱلۡقُرۡبَىٰ بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکان [یعنی اهل بیتم] را نمی خواهم

فَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ بِهِۦ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَٱتَّبَعُواْ ٱلنُّورَ پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را [در برابر دشمنان] حمایت کردند و یاریش دادند و از نوری که بر او نازل شده پیروی نمودند، اینان همان رستگارانند

- تبرک جستن به آثار اولیای الهی همچون بوسه بر ضریح ایشان مور تایید قرآن است که قرآن نمونه آنرا بازگو کرده است: پیراهن حضرت یوسف ع جهت بینایی پدر
- بهترین تجلی عبادت خدا نماز است
- نماز عبادتی جامع است و پس از معرفت خدا بهترین عمل دانسته شده است
- قر آن منافقان را که با کسالت نماز می خوانند مذمت میکند : وَإِذَا قَامُوٓاْ إِلَى ٱلصَّلَوٰةِ قَامُواْ كُسَالَىٰ و هنگامی که به نماز می ایستند، با کسالت می ایستند

(بخش ششم) (معاد و جاودانگی انسان)

- معاد از نظر لغوی به معنای بازگشتن است و در اصطلاح به معنای دوباره زنده شدن آدمی پس از مرگ است.
- دلایل اهمیت موضوع معاد برای انسان : ۱ .انسان ذاتا علم دوست است .۲ .شناخت غایت و هدفمندی زندگی برای انسان بسیار مهم است چون شکل دهنده فعالیت وعمل اوست

منابع شناخت در باب معاد

۱ .علوم تجربی : معاد در قلمرو عالم غیب قرار دارد و موضوع حس و تجربه نیست.

۲. علوم فلسفی : ابزار آن عقل و می توان فقط کلیات عالم غیب را فهمید

۳. علوم عرفانی : ابزار آن شهود و رویت قلبی است، و جنبه شخصی دارد

۴ علوم وحیانی : راه شناخت صحیح و تفصیلی وحی و تعالیم انبیا الهی است .

- علوم عرفانی با دو شرط می تواند معاد را تفصیلی بیان کند :

الف : عصمت واجدین شهود ب: به گفته آنان اطمینان کامل وجود داشته باشد

شمار آیات قران به دلیل اهتمام بالای آن تعداد بیش از ۱۴۰۰ آیه است.

پاسخ به شبهات منکران معاد

1. علم فاعل :

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ ۖ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ

قطعا می دانیم آنچه را زمین از بدن آنها می کاهد و نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است.

2. قدرت فاعل

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

گفت و گوی حضرت موسی ع و فرعون مربوط به شبهه علم فاعل است

- **لذتهای روحی و غیر جسمانی معاد**

الف : لذت خشنودی خدا(پاداش اکبر) ب: رنج فراق محبوب

- قرآن مسخ را تایید و نقل میکند اما تناسخ را خیر : وَجَعَلَ مِنْهُمُ ٱلْقِرَدَةَ وَٱلْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ ٱلطَّٰغُوتَ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ

و برخی از آنان را به صورت بوزینه و خوک درآورده، و [نیز آنان که] طاغوت را پرستیدند؛ اینانند که جایگاه و منزلتشان بدتر و از راه راست گمراه ترند

- مسخ یعنی روح انسانی باقی می ماند و به تنها صورت حیوانی تبدیل میشود، اما تناسخ یعنی روح انسان پس از جدایی از بدن (مرگ)به بدن دیگری تعلق می گیرد .
- مرگ اولین منزل از منازل آخرت است

انواع مرگ

الف : دشوار (ظالمان و گناهکاران و آسان (صالحان و مومنان) :

دشوار : فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَٰرَهُمْ.

پس حال و وضعشان زمانی که فرشتگان جانشان را می گیرند در حالی که بر صورت و پشتشان [تازیانه عذاب] می زنند، چگونه خواهد بود

اسان : الذین تتوفاهم الملائکه طیبین یقولون سلام علیک.

ب : مرگ تن (جدا شدن روح از بدن)و قلب (تعقل و تفکر نداشتن) :

قلب : إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْا۟ مُدْبِرِينَ

بی تردید تو نمی توانی [دعوتت را] به مردگان بشنوانی، و نیز نمی توانی آن را به کران که پشت کنان روی برمی گردانند بشنوانی،

حضرت علی ع : کسانی که نهی از منکر را به کلی ترک کرده اند، نه به زبان نه قلب نه عمل، مردگان زنده نمایند

پ : مرگ فرد و جامعه (ظلم، ستم و گناه)

لکل أمۀ أجل فإذا جاء أجلهم لا یستأخرون ساعۀ و لا یستاقدمون

برای هر امتی زمانی [معین و اجلی محدود] است، هنگامی که اجلشان سرآید، نه ساعتی پس می مانند و نه ساعتی پیش می افتند

ت : مرگ افتخار آمیز :

در راه خدا- برپایی قسط و عدل - فراگیری علم - کسب روزی حلال -کسب معارف الهی

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله أموات بل أحیاء و لکن لا تشعرون

- از نمونه های توبه در حال مرگ که انجام میشود و مقبول خداوند نیست توبه فرعون در حال غرق شدن میباشد
- قبر دومین منزل انسان در سرای آخرت است، معنای ظاهری مرگ همان گودالی است که جسد در آن قرار میگیرد و معنای واقعی آن همان برزخ است
- معیار و میزان اعمال روز قیامت، حق است
- میزان برای اهل ایمان است و نه برای مشرکان
- اولین شاهد روز قیامت، خداوند میباشد.

شاهدان روز قیامت

۱. شاهد درونی : اعضای بدن – پوست انسان

۲ .شاهد بیرونی :

۱ .قرآن : بگوای اهل کتاب .....با آنکه خدابر آنچه می کنید گواه است

۲ .پیامبران : و یوم نبعث فی کل امه شهید علیهم من انفسهم

۳ .پیامبر ص : و کذلک جعلنائم أمۀ وسطا لتکونوا شهداء علی الناس ...

. فرشتگان : وجاءت کل نفس معها سائق شهید

۵. زمین : یومنذ تحدث اخبارها .....

۶. زمان

- یکی از نشانه های قیامت نفخ صور است، یکی نفخ مرگ و پیش از قیامت و دیگری نفخ حیات بعد از برپایی قیامت .
- تجسم اعمال هم مربوط به پاداش و عقاب اخروی است و هم از گواهان روز قیامت.
- نا آگاهی انسان نسبت به مرگ جنبه تربیتی دارد.
- از منظر قرآن منکران معاد دچار انکار لقای پروردگارشان شده اند

- امام صادق ع : آنکس که چهار چیز را انکار کند از شیعیان ما نیست: ۱. معراج ۲. سوال قبر ۳ .وجود بهشت و جهنم ۴ .برزخ

راه های رسیدن به بهشت :

الف ایمان و عمل صالح : والذین آمنوا و عملوا الصالحات أولئگ اصحاب الجنۀ هم فیها خالدون

.ب تقوا : إن المتقین فی جنات و عیون

پ پیروی از خدا و رسول خدا.

ت راستی و راستگویی : أولئک الذین صدقوا و اولئگ هم المتقون.

س احسان ونیکوکاری : إن الأبرار لفی نعیم * إن الابرار لفی جحیم.

ج صبر و بردباری : سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار

چ اهتمام به نماز : والذین هم صلاتهم یحافظون

ح انفاق در راه خدا : الذین ینفقون فی السراء والضراء

خ هجرت و جهاد : الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله

د شهادت در راه خدا : ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امرتا